

فصلنامهٔ لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال پنجم، دورهٔ جدید، شمارهٔ پانزدهم، بهار ۱۳۹۳، ص ۶۴-۴۵

ساختار نشانه‌ای شخصیت حضرت مریم^(س) در قرآن کریم*

علی باقر طاهری نیا

استاد دانشگاه تهران

زهره حیدری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

نشانه‌شناختی، مجموعه‌ای از نظام نشانه‌ای است که رمزها را بایست با توجه به سیاق عبارت در آن یافت. متن ادبی با توجه به ساختار هنری و پیام زیباشناختی آن، دارای نظام نشانه‌ای پیچیده است، طوری که عموماً در آن یک دال بر چند مدلول، دلالت می‌کند. قرآن کریم به عنوان سرآمد متون بلاغی در تصویر گفتار و رفتار شخصیتها چنان ظرافتی به کار می‌گیرد گویی که شخصیت بر روی پرده نمایشی به مخاطب عرضه می‌گردد. در این میان، شخصیت زن- که از عناصر اصلی قصه است - در داستانهای قرآن نقشی بارز ایفا کرده است. آنان در داستانهای قرآن کنش گرانی آگاه هستند که واکاوی در شخصیت ایشان معانی دلالتی و نشانه‌ای را به خواننده عرضه می‌دارد و با توجه به این معانی، ابعاد نهان شخصیتشان نمایان می‌گردد. البته گاهی نیز شخصیت در داستان قرآنی، پنهان و در پرده‌ای از ابهام قرار می‌گیرد و این نشانه‌ها و رمزهاست که به خواننده کمک می‌کند تا ابعاد پنهانی وجود شخصیت آشکار سازد. حضرت مریم^(س) تنها بانویی است که نامش صریحاً در قرآن ذکر شده و در سوره‌های آل عمران، نساء، مائده، مریم، انبیاء، مؤمنون و تحریم گوشه‌هایی از زندگانی ایشان بازگو شده است. آنچه در کارکرد نشانه‌ای شخصیت مورد توجه است، رمزگان، تنوع در به کارگیری رمزگان در متن، نام شناسی، توصیفات، کنش گفتاری، کنش رفتاری و کارکرد بازیگرانه است که از مجموع اینها، می‌توان به درکی عمیق‌تر از شخصیت رسید. در مجموع می‌توان گفت نام مریم نمایندهٔ شخصیت ایشان است؛ همچنان که نام وی روح عبادت، لطافت و انعطاف‌پذیری را به مخاطب القا می‌کند، کنشهای رفتاری، گفتاری و توصیفات قرآنی دربارهٔ وی نیز بازگو کنندهٔ این معناست.

کلمات کلیدی: نشانه‌شناسی شخصیت، رمز، حضرت مریم^(س)، قرآن کریم.

۱. مقدمه

۱.۱ تعریف مسأله

نشانه‌شناسی، مبحثی نو است که در قرن بیستم گسترش پیدا کرد و آن دانش تحلیل نشانه‌ها در یک نظام زبانی یا غیرزبانی است. این دانش بر پایه دال، مدلول و دلالت استوار است. شالوده این رشته را دو اندیشمند غربی به نامهای فردینان دوسوسور «Ferdinand de Saussure» (۱۸۵۷-۱۹۱۳)، زبان‌شناس سوئیسی، و چارلز ساندرس پیرس «Charles Sanders Peirce» (۱۸۳۹-۱۹۱۴) فیلسوف آمریکایی بنا نهادند (عیاشی، ۱۴۲۹ق: ۳۳) و پس از آنان، دیگران نیز به مطالعه و بررسی پرداختند، تا جایی که این دانش در تمام علوم و فنون جایگاه خود را پیدا کرد. قرآن کریم به عنوان ارزشمندترین متن ادبی، در جای جای آیاتش سرشار از نشانه و رمز است که نشانه‌شناس می‌باید این معانی را دریابد و به لایه‌های عمیق متن راه بیابد. نشانه‌شناسی ادبی شخصیت با توجه به نظریه فیلیپ هامون (Philip Hamon)، نشانه‌شناس فرانسوی، بر اساس مؤلفه‌های نام، کنشهای گفتاری و رفتاری (کارکرد بازیگرانه) و توصیفات به شناسایی شخصیت می‌پردازد. کاربرد اسامی، اعم از اسمهای علم و غیر آن از مهمترین اجزای پیکره داستانهای قرآنی هستند؛ در حالی که اسامی در بیانهای بشری مشتمل بر اسرار و معانی فراوان است، باید به طریق اولی در بیان الهی، خزانه اسرار و اشارات تلقی شود. همچنین کنشهای گفتاری و رفتاری و توصیفات مستقیم یا غیر مستقیم قرآن که از جانب دانای کل (خداوند) بازگو شده است، نشان دهنده شخصیت مورد نظر است. شخصیت حضرت مریم^(س) با رویکرد نشانه‌شناختی از دو منظر زیر مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱. شخصیت به عنوان واژه قاموسی

۲. شخصیت به عنوان نشانه

تا به این دو پرسش پاسخ دهد که

۱. نام حضرت مریم^(س) چه تناسبی با کارکرد داستانی ایشان دارد؟

۲. مهمترین دستاورد بررسی نشانه‌شناختی شخصیت زن در قرآن چیست؟

۲،۱ پیشینه پژوهش

از مهمترین پژوهشهای انجام شده در این زمینه می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

- «عاشق من فلسطین لمحمود درویش: دراسة سيميائية دلالية على مستويات اللغوة» (۱۴۳۱هـ- ۲۰۱۰ م)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد از زرناجی شهیره. نگارنده این پایان‌نامه، به واکاوی این قصیده از منظر نشانه‌شناسی پرداخته است.

- بیولوژی نصّ، نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، علیرضا قائمی‌نیا (۱۳۸۹) که نویسندهٔ این کتاب، مباحث کلیدی نشانه‌شناسی و ارتباط آن با قرآن کریم را مطرح می‌کند.

- مقاله «سیمپولوجیه الشخصیه الروائیة»، فیلیپ هامون و ترجمهٔ سعید بنگراد (۱۹۹۰) که نشانه‌شناسی شخصیت داستانی در آن بررسی شده است.

۱.۳ روش پژوهش

شیوهٔ این، پژوهش توصیفی-تحلیلی است و هدف از آن، کشف علایم و نشانه‌های داستان حضرت مریم^(س) در قرآن کریم و بررسی دلالت‌های ادبی آن است.

۲. نشانه و نشانه‌شناسی

ساده‌ترین تعریف نشانه (Signe)، عبارتست از «مجموعه‌ای دوگانه، متشکل از یک مفهوم و یک صورت آوایی». (دینه سن، ۱۳۸۹ش: ۲۶) «ترکیب مفهوم و صورت آوایی را نشانه می‌نامیم». (دوسوسور، ۱۳۸۹ش: ۹۷ و دینه سن، ۱۳۸۹ش: ۲۶) «مفهوم، معنی یا مدلول و صورت آوایی، لفظ یا دال است». (دینه سن، ۱۳۸۹ش: ۲۶) نشانه بر معنای غایی دلالت می‌کند که در متن حضور ندارد و به وسیله آن یک چیز دیگر معرفی می‌شود، هر چند گاهی هیچ ارتباط معنایی بین لفظ و معنا وجود ندارد؛ اما در هر جامعه‌ای با توجه به قراردادهای وضعی، هر لفظ نشان‌دهندهٔ معنایی است. از جمله ویژگی‌های بارز نشانه، صراحت نداشتن و غیرمستقیم بودن آن است؛ به این معنا که در نشانه‌شناسی، صورت کلام مورد نظر نیست؛ بلکه مفهومی فراواژگانی را باید کاوید و همین امر، یکی از رازهای پیچیدگی دانش نشانه‌شناسی است. از این رو، نظریه-پردازان، مبحث دال و مدلول و ارتباط این دو را مطرح کرده‌اند، هر چند گاهی مدلولها به طور مستقیم، دلالت واضحی بر دال نداشته باشند.

هدف از مطالعات نشانه‌شناسی ادبی، تعیین ویژگی‌های ساختاری و زیربنایی است که متن ادبی را از سایر متنها بازخوانی می‌کند. (ر.ک: یوسف العرجا، ۲۰۰۲م: ۱۴) مطالعات نشانه-شناختی شخصیت نشان می‌دهد که هر شخصیتی، صورتی از یک شخص بشری یا غیر بشری با ویژگی‌های چند وجهی است و پژوهشگر در دنیای نشانه‌ها، تمام عناصر بیرونی و روانی

شخصیت، نام، نوع پوشش، کارکرد، نسبت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک را بررسی می‌کند، همچنان که شبکه ارتباطی بین شخصیتها را نیز مطالعه می‌کند و از طریق نام و سن به نشانه-شناسی شخصیت می‌پردازد. (همان، ۲۱) به بیانی دیگر، تحلیل شخصیت در یک متن، هویت حقیقی فرد را به منصفه ظهور می‌رساند، و این ویژگی در قرآن کریم، با توجه به واقعی بودن داستانها بسیار چشمگیر است؛ لذا با کنار هم چیدن عناصر گفتاری و رفتاری می‌توان نگاهی نظام‌مند به شخصیت کرد.

از طرفی نشانه‌های ادبی در متن، بر غنای متن افزوده و ظرفیتهای زبانی آن را افزایش می‌دهد؛ زبانی ادبی و سرشار از عناصر ادبی به وجود می‌آورد؛ طوری که روابط دستوری در انتقال معنای آن متن هیچ نقشی ندارد. در نشانه‌شناسی ادبی، نشانه ادبی و دلالت، ناپایدار، غیرثابت و انگیخته است. « در این نوع دلالت، رابطه بین دال و مدلول، رابطه‌ای تثبیت‌شده نیست و سخنگوی زبان می‌تواند در موقعیتی خاص، یک دال را به مدلولی دیگر غیر از مدلول اولیه‌اش نسبت دهد.» (علوی مقدم، ۱۳۸۶ش: ۱۹۹)

تفاوت نشانه زبانی و ادبی در آن است که در نشانه زبانی، معنای قاموسی لفظ مورد نظر است و در نشانه ادبی، ماورای لفظ مورد توجه قرار می‌گیرد و از پیوند رابطه دال، مدلول و دلالت، یک فرامعنا پدید می‌آید که پس از اجتماعی شدن آن و رواج مفهوم، دیگر از معنای قاموسی و زبانی پا فراتر می‌گذارد. در واقع می‌توان نشانه ادبی را این چنین تعریف کرد: نشانه زبانی + مدلولی تازه = نشانه ادبی

۳. نشانه‌شناسی ادبی شخصیت

«وقتی کلمه نشانه‌شناسی را در پس مفهومی قرار می‌دهیم، مثلاً می‌گوییم نشانه‌شناسی نقاشی، نشانه‌شناسی سینما، نشانه‌شناسی تئاتر و ...، به نظر می‌رسد، پیشاپیش اعلام کرده‌ایم که آن حوزه را چونان نظام فرهنگی تلقی کرده‌ایم که امکان تولید متونی را فراهم می‌کند و آن متون قابل خواندن‌اند و با اتخاذ منظر نشانه‌شناختی می‌خواهیم ساز و کارها، نظامات، رمزگانها و ویژگیهای متنی آن حوزه را بشناسیم و به عبارت دیگر به خوانش متون آن حوزه بپردازیم.» (سجودی، ۱۳۸۵ش: ۱-۲) نشانه‌شناسی شخصیت به تحلیل شخصیت داستانی، با توجه به نام، کنشهای گفتاری و رفتاری (کارکرد بازیگرانه) و توصیفات وی می‌پردازد؛ لذا اسم برچسب نمادین شخصیت است و نویسنده اسامی افراد را بی‌اساس انتخاب نمی‌کند، بلکه به دنبال اسمی

است که معادل کارکرد شخصیت داستانی نیز باشد، شاید که این اسم، موضع اهتمام خواننده باشد.

فیلیپ هامون، نشانه‌شناس فرانسوی، شخصیت را به عنوان عنصر نشانه‌ای در نظر می‌گیرد و مبانی نظری نشانه‌شناسی شخصیت را گسترش می‌دهد. وی شخصیت را مفهومی نشانه‌شناختی و مجموعه‌ای منسجم از رفتارها و ویژگیها می‌داند و به نشانه‌شناسی شخصیت نمی‌پردازد، مگر اینکه اشراف کامل نسبت به متن داشته باشد و نشانه‌ها را شناسایی کند. بنابراین وی، شخصیت‌های متن را در مقابل همدیگر قرار می‌دهد و بین آنها ارتباط برقرار می‌کند تا از این طریق به هویت شخصیت پی ببرد. هامون، شخصیت را نشانه‌ای می‌داند که از دال و مدلول تشکیل می‌شود. او معتقد است: «شخصیت، مجموعه‌ای هماهنگ از نظام‌های برنامه‌ریزی شده است که پی‌بردن به هویت او در گرو خوانش متن است.» (هامون، ۱۹۹۰م: ۲)

۴. ساختار نشانه‌ای شخصیت حضرت مریم (س)

خداوند متعال در قرآن زنان صالح را الگوی جامعهٔ بشری معرفی نموده تا با فراگیری منش و کنش آنان، راه و روش صحیح برای همگان آشکار شده و اتمام حجتی برای تمامی مردم اعم از مرد و زن باشد. در میان بانوان نمونه، مریم تنها زنی است که قرآن در ۱۲ سوره و ۳۴ آیه به نام او تصریح می‌کند و بارها وی را می‌ستاید.

مریم، دختر عمران، یکی از پیامبران بنی اسرائیلی است. عمران، که پیر و سالخورده شده در رؤیای صادق‌اش چنین می‌بیند که خداوند پسری به او عطا کرد که بیماران لاعلاج را شفا می‌بخشد و مردگان را با اجازه پروردگار زنده می‌کند، عمران این رؤیا را با همسرش، حنه، که عشق مادری در وجودش شعله‌ور بود، در میان می‌گذارد. مادر نذر می‌کند در صورت تحقق این رؤیا، فرزندش را به بیت المقدس برای خدمتگزاری بسپارد: (ر.ک: بانوان نمونه، ۱۳۸۷ش: ۳۲۷)

داستان حضرت مریم (س) در سوره‌های آل عمران، نساء، مائده، مریم، انبیاء، مؤمنون و تحریم مطرح می‌شود که در هر کدام از این سوره‌ها به گوشه‌ای از زندگانی مریم پرداخته شده است، داستان به چند بخش تقسیم می‌گردد که در هر بخشی، نشانه‌ها و دلالت‌های نشانه‌ای پراکنده شده‌اند:

این داستان در سورهٔ آل عمران با ذکر مقدماتی دربارهٔ بارداری مادر مریم آغاز شده، سپس به رشد و تربیت مریم در نوجوانی و بعد از آن به برگزیدگی مریم اشاره می‌کند. در سوره نساء،

مانده، انبیاء، مؤمنون و تحریم در حدّ یک آیه مریم را توصیف کرده است، همچنین داستان زندگی ایشان در سورهٔ مریم، بدون مقدمه آغاز می‌شود. این یک نوع شیوه داستان‌پردازی است که «در یک حالت ناگهانی مخصوص به نمایش در می‌آید که تماشای آن تماشاگران را هرگز از این تماشا بی‌نیاز نمی‌گرداند؛ یعنی چشم تماشاگر همیشه تشنه تماشا می‌ماند.» (سید قطب، ۱۳۵۹ش: ۲۵۵)

۱،۴ با تکیه بر نام‌شناسی مریم

« نام‌شناسی (Onomastics) علمی است که به بررسی، تحلیل و ریشه‌یابی در صورت‌گیری و معنایی نامها می‌پردازد. این رشته، امروزه یکی از شاخه‌های فرعی زبان‌شناسی محسوب می‌شود. از زمانهای قدیم، محققان و نویسندگان، علاقه‌مند به ریشه‌یابی نامها و در پی ایجاد پیوند و رابطه میان اسمها با مآخذ غیر اسمی بوده‌اند.» (اسدی، ۱۳۸۹ش: ۱۴) از طرفی « اسم خاص باعث می‌شود که شخصیت، بیرون از مشخصه‌های معنائیش وجود داشته باشد؛ مشخصه‌هایی که مجموعه آن‌ها، کل شخصیت را می‌سازد. خواننده به کمک اسم خاص به هستی شخصیت داستان، دست پیدا می‌کند. مشخصه‌های معنایی شخصیت، تنها سرآغاز راه اوست، جاده‌ای است که به معنا می‌رسد.» (اخوت، ۱۳۷۱ش: ۱۶۵)

اسم علم، نشانه‌ای زبان‌شناختی است که معنا و کارکرد شخصیت را بازگو می‌کند. کلمه مریم، به عنوان یک واژه قاموسی در زبان عبری به معنای عبادت‌کننده و خدمتگزار (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۲۶؛ قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۱) و اگر به مثابه یک کلّ نشانه‌ای به آن بنگریم، پیام عفت، پاکدامنی و نجابت را به مخاطب القاء می‌کند. نام شخصیت در حکم نمایندهٔ طبقهٔ خویش است؛ مثلاً نام مریم نمایندهٔ وجهه مذهبی و طبقهٔ اجتماعی متوسط اوست؛ چرا که اگر از اشراف‌زادگان می‌بود باید به همراه اسم، لقبی نیز ذکر می‌گردید؛ بنابراین اسم مفرد صفت اشرافیت را از او دور گردانیده است. همچنین مریم از طایفهٔ تهیدستان نبود؛ چرا که پدر مریم-عمران- در میان بنی‌اسرائیل سرشناس و صاحب مقام بوده تا آنجا که بعد از ولادت مریم، کاهنان بر سر کفالت او اختلاف می‌کنند. در واقع «شخصیتها در حکم یک شبکهٔ پیچیده و یکپارچه از خصوصیات روانی و اجتماعی هستند.» (استون و ساوانا، ۱۳۸۲ش: ۵۴)

علاوه بر معنای قاموسی واژه در تحلیل اسم علم، باید به ویژگیهای صوتی و آهنگین اسم نیز توجه داشت. اسم مریم یک دالّ نشانه‌شناختی و یک رمز دینی است که بیان‌کنندهٔ عاطفه،

احساس، انعطاف، لطافت و طراوت اوست. حسن عباس در کتاب خصائص الحروف العربیة و معانیها می‌نویسد:

برخورد دو لب در حرف میم، نرمی، انعطاف‌پذیری و سازگاری همراه با کمی حرارت را یادآوری می‌کند. نسبت معنای حساسیت و لطافت در مصادری که با میم آغاز می‌شود نزدیک هفت برابر مصادری است که به میم ختم می‌شود. (ر.ک: عباس، ۱۹۹۸م: ۷۱-۷۵) بنابراین نام مریم که ابتدا و انتهایش میم است، هم حساسیت و لطافت آغازین را دارد و هم لطافت واپسین بیشتری را آشکار می‌کند. از طرفی پیوند چهار حرف میم، راء، یاء و میم که همگی از حروف رقیق هستند، انعطاف را در نام مریم بیشتر می‌کند. هم‌چنین تکرار حرف میم نیز در واژهٔ مریم، گویای پیوند معنوی و روانی بین شخصیت مریم و ارتباطش با سوره است. حرکات و سکانات این واژه به شکلی آرایش شده است که با آوایی نرم و ملایم، نشاط شنوندهٔ را بر شنیدن می‌افزاید. نام مریم آهنگین و موزون است و تکرار حرکت فتحه و توازن ایقاع بر زیبایی آن می‌افزاید و بین لفظ و معنا تناسب برقرار می‌کند. « آوای واژه‌ها نه تنها در پیدایش موسیقی نقشی به سزا دارد، در القای مفاهیم و معانی نیز مؤثر است. القای معنا یا مفهوم که در اثر تکرار واجها یا هم‌نشینی واژه‌ها و ساختار موسیقی کلام حاصل می‌شود، به عنوان صدامعنایی مشهور و عبارت از این است که خود صوت واجها و هجاها گویای معنا یا محتوا باشند.» (عمران‌پور، ۱۳۸۶ش: ۱۷۶-۱۷۷)

۲،۴ با تکیه بر توصیفهای قرآنی

خداوند، مریم دختر عمران را زنی پاکدامن می‌خواند و بر این صفت او دو بار در آیهٔ ۹۱ سورهٔ انبیاء و آیهٔ ۱۲ سورهٔ تحریم تأکید می‌کند: ﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا﴾* ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾* ﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ جَعَلْنَاهَا وَ ابْنَهَا ءَايَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/۹۱)

در این آیه، حضرت مریم بر فرزندش مقدم شده است که یکی از پیامبران الهی است و هر دوی آنان به عنوان آیه و نشانه‌ای از جانب خداوند برای همهٔ مردم معرفی شده‌اند. هم‌چنین این جمله، تمجید او به داشتن عفت و صیانت است و نیز تبرئه او از تهمت است که یهود به وی نسبت داده‌اند. بر خلاف آیهٔ ۵۰ سورهٔ مؤمنون ﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً وَ آوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ﴾ با همین مضمون که نام عیسی^(ع) بر مادرش پیشی گرفته است؛ ولی در آنجا فرزند به مادر نسبت داده شده تا به مخاطب بفهماند که کمالات مادر در وجود فرزند مؤثر است.

جالب توجه اینکه ضمیر در آیه ۹۱ سوره انبیاء، به ابتدای همین آیه «والتی» باز می‌گردد و ضمیر در آیه ۵۰ سوره مؤمنون هم به ابتدای همین آیه «این» رجوع می‌کند.

دامغانی در کتاب «قاموس قرآن»، شش وجه برای واژه آیه ذکر کرده است: «۱. نشانه؛ ۲. قرآن؛ ۳. معجزه؛ ۴. عبرت؛ ۵. کتاب آسمانی؛ ۶. امر و نهی». (دامغانی، ۱۳۶۱ش: ج ۱، ۷۴) به نظر می‌رسد دلالت نشانه‌شناختی این واژه در آیه ۹۱ سوره انبیاء و آیه ۵۰ سوره مؤمنون، بر نشانه و معجزه است. کلمه آیه در قرآن مفهوم فرامتنی به مخاطب القا می‌کند و فقط به معنای اصطلاحی جزئی از یک سوره قرآن نیست. «واژه آیه در قرآن در دو مفهوم متنی (آیه‌های قرآن) و فرامتنی (جهان طبیعت، سرگذشت پیشینیان و نفس خود انسان) به کار رفته است. در بیشتر موارد هنگامی که مفهوم متنی واژه «آیه» مورد نظر است، واژه به شکل جمع؛ یعنی «آیات» و در مفهوم فرامتنی به شکل مفرد آمده است». (نجفیان، ۱۳۸۹ش: ۱۸۴) بنابراین حضرت مریم^(س) و فرزندش عیسی - نشانه و معجزه‌ای از جانب خدای یکتا هستند و در آیه ۲۱ سوره مریم، حضرت عیسی^(ع) به تنهایی آیه و رحمت معرفی شده است: ﴿قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئًا وَلِنَجْعَلُهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا﴾

قرآن کریم در دو مورد، مریم را به عنوان صدیقه معرفی می‌کند: آیه ۷۵ سوره مائده: ﴿مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ﴾ و آیه ۱۲ سوره تحریم: ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَاتِنِينَ﴾ در سوره مائده به صورت اسم آمده که دلیل بر ثبوت این صفت در مریم است و صیغه مبالغه دلالت بر زیادت این ویژگی در او دارد. در سوره تحریم به صورت فعل ماضی ذکر شده که فعل ماضی نیز بر وقوع فعل و تحقق قطعی آن دلالت دارد و بنابر قاعده «زیاده المبنی تدل علی زیاده المعنی» معنای دلالتی افعال مزید بسی بالاتر از افعال مجرد است.

تفسیر مجمع البیان درباره صدیقه بودن حضرت مریم^(س)، این چنین فرموده است: «یعنی آیات خدا و منزلت فرزندش و مطالبی را که از وی می‌شنید، تصدیق کرد.» (الطبرسی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۳۷۸) و نیز گفته شده:

«سر اینکه مریم^(س) صدیقه است، به سبب آن نیست که اخبار عادی را تصدیق کرد و آنچه دیگران تصدیق دارند، تصدیق می‌کند، بلکه او چیزی را تصدیق کرد که دیگران باور نداشتند و چیزی را صحه گذاشت که دیگران آن را مستبعد می‌شمردند و روی همین استبعاد، زبان را به تهمت وی گشودند، در حالی که مریم برای قبول این امر غیرعادی آیت و علامت

نطلبید.» (جوادی آملی، ۱۳۷۱ش: ۱۴۶) اما حضرت زکریا هنگام شنیدن بشارت فرزند از خداوند درخواست علامت و نشانه کرد: «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً» ولی مریم بدون درخواست نشانه، سخن فرشته را تصدیق فرمود. «اگر دربارهٔ حضرت مریم^(س) فرمود: «صَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَاتِنَاتِ» نه برای آن است که ما قانتات نداریم، چون صریحاً در سورهٔ احزاب فرمود: «وَالْقَاتِنَاتِ وَالْقَانِتَاتِ» بلکه برای حفظ فرهنگ محاوره است و نشانه‌اش آن است که در طرف عکس هم این چنین است، در طرف عکس هم باز بر اساس فرهنگ محاوره زن تبهکار را در زمره مردان تبهکار می‌شمارد و در سورهٔ یوسف می‌فرماید: ﴿وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ﴾ نه «من الخاطئات». این برای آن است که بر اساس فرهنگ محاوره سخن می‌گوید.» (همان: ۸۴-۸۵)

از دیگر ویژگیهایی که پروردگار در قرآن مطرح فرمود، نیاز طبیعی مریم همانند بقیه انسانها به آب و غذاست: «كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ» این عبارت، نشان از پندار غلط مسیحیان مبنی بر خداوندگاری مریم و عیسی است و بازگوی آن است که مریم و فرزندش، همسان دیگران از زندگی عادی برخوردارند و آنان نیز همانند همه مردم نیاز به خوردن و آشامیدن دارند. بنابراین، تنها این جمله کوتاه، خط بطلانی بر پنداری باطل است.

۳،۴ با تکیه بر کنش گفتاری حضرت مریم^(س)

کنش گفتاری حضرت مریم^(س) در آیات ۳۷ و ۴۷ سورهٔ آل عمران و آیات ۱۸-۲۱ سورهٔ مریم دیده می‌شود. همچنین آیات ۲۲-۲۹ سورهٔ مریم مشتمل بر دو بُعد کنش رفتاری و گفتاری است.

آیهٔ ۳۷ سورهٔ آل عمران شرح گفتگوی زکریا با مریم است: ﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾. از سیاق آیه چنین برمی‌آید که وی در سنین کودکی و نوجوانی است. دوران نوجوانی مریم در معبد، در عبادت پروردگار یکتا سپری شد. آنگاه که مادر مریم، او را به معبد آورد، کاهنان بر سر کفالت او اختلاف کردند. سرپرستی او طبق قرعه، به حضرت زکریا^(ع) واگذار شد. سرپرستی مریم اتفاقی نبوده است؛ بلکه مشیت و اراده الهی بر آن بود که مریم^(س) صاحب سرپرست نیکوسرشتی باشد تا شخصیت نیکوی او نیز بارور شود. مؤید این سخن هم واژه کَفَّل است که به معنای اختیار کردن کفیل و سرپرست است. کَفَّل فعل مزید دو مفعولی است: «كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»

فاعل در این عبارت خداوند متعال، «ها» مفعول به اول و «زکریا» مفعول به ثانی است. در المعجم الوسیط آمده: «كَفَّلَ فَلَانًا الصَّغِيرَ: جعله كافلاً له» و این آیه را به عنوان شاهد مثال آورده است. (المعجم الوسیط، ۱۴۲۶ق: ۷۹۳ ذیل كَفَّلَ)

«در آیه «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ» گرچه آیه به سن مریم اشاره نمی‌کند، از نحوه گفتگوی زکریا و مریم پیداست که مریم کودکی خردسال بوده است. دقت کنید که این گفتگو، گفتگویی مکرر بوده است. زکریا با مریم وارد بحث چگونگی نمی‌شود و توضیح بیشتری نمی‌خواهد. مریم برگزیده خداست و با توجه به سن کمش توانایی بحث و نظریه‌پردازی ندارد و زکریا این را می‌داند و چیزی نمی‌پرسد.» (حسینی، ۱۳۸۲ش: ۱۳۳) کلمه «كُلَّمَا» دلالت بر این دارد که زکریا به عنوان سرپرست مریم به طور مداوم، احوال او را جویا می‌شد و همچنین گویای این است که روزی الهی نیز پیوسته بر مریم نازل می‌گشته است که این، خود، گویای مقامی بس والا است. از طرفی «رزق نامبرده رزق معمولی نبوده است»؛ (طباطبایی، ۱۳۸۴ش: ج ۳، ۲۷۳) زیرا «رزقاً» به صورت نکره آمده و دلالت اسم نکره، نامعین بودن آن است، به علاوه حضرت زکریا^(ع) با دیدن آن به شگفت می‌آید و به حال معنوی مریم غبطه می‌خورد و از خدا طلب فرزندی پاکیزه همچون مریم می‌کند. دلالت دوم کلمه «رزقاً» به عنوان اسمی نکره، فراوانی آن است. «اسم نکره دلیل است بر عظمت و فخامت» (الهاشمی، ۱۹۹۹م: ۱۳۵) در تفسیر ابن کثیر آمده «رِزْقاً» «منظور میوه تابستانی در زمستان و میوه زمستانی در تابستان بوده است. و برخی رزق را، علم دانسته‌اند که این، خود، دلیل آشکاری بر عظمت مقام مریم است.» (القرشی الدمشقی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۳۶) بنابراین رزق در اینجا دالّ و معانی چندگانه آن، مدلول است. «در جمله «وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقاً قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا» با نیاوردن لفظ و او جمله را از وسط پاره کرد، خواست تا بفهماند که زکریا همه این حرفها را یکباره به مریم گفت.» (طباطبایی، ۱۳۸۴ش: ج ۳، ۲۷۴) و معنایی دیگر که بر نیاوردن او مترتب است، حالت تعجب و شگفتی زکریاست. فعل ماضی «وَجَدَ» نیز در همین آیه، به معنای یافتن است که دقت در معنای فعل، بیان‌کننده حالت شگفتی زکریاست و این شگفتی، دلیلی دیگر بر نوع رزق بوده است.

مریم تصویرگر حقیقی ایمان و عبادت است. تنها همین کلمه محراب گواه آن است که مریم دختر عفیف و نجیبی بوده است، دائماً در محراب، مشغول عبادت و مبارزه با نفس بوده تا جایی که عبادت با روحش عجین گشته است، عبادتش به درگاه خدا خالصانه بوده است که

در قرآن از این عبادت یاد شده است. « محراب در لغت به معنای مسجد است، از ریشهٔ حرب گرفته شده؛ چرا که جایگاه مبارزه با شیطان و هوای نفس است.» (اصفهانى، ۱۳۸۷ش: ۱۱۹) محراب، یک رمز دینی است و «رمزهای دینی، دلالت بر شخصیت‌های مقدس دارند و مؤمنان، با توجه به این رمزگان، آن شخصیتها را گرامی می‌دارند.» (چاندلر، ۲۰۰۸م: ۸۶)

قرآن کریم دوران جوانی و بارداری مریم را غالباً در سورهٔ مریم بیان می‌فرماید؛ داستان از این قرار است که مریم از قوم خود فاصله گرفته بود و به مکانی دوردست رفته بود؛ جبرئیل به صورت انسانی زیبارو بر مریم وارد شد؛ اما مریم با عفت و نجابت به پروردگارش پناه برد و حسّ غیرت دینی او را برانگیخت تا او نیز از خداوند بر حذر باشد. « پناه بردن مریم به خدا نشان‌دهندهٔ کمال ایمان و پاکدامنی و عفت، شدت حیا و ادب وی و ظرافت و سرعت جواب اوست.» (مسلم، ۲۰۱۰م: ج ۴، ۴۳۰) مریم با لفظ رحمان به خداوند یکتا پناه برد و صفت رحمانیت پروردگارش را جانشین دیگر صفاتش فرمود. این لفظ نشان‌دهندهٔ آن است که خدا به ضعف او بنگرد و بدی را از او دور گرداند و او را مشمول رحمت خویش قرار دهد: «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» در رحمت خدای رحمان نیز حس برانگیختگی وجود دارد که فرشته نیز بر ضعف مریم نظر افکند و با چشم پاک به او بنگرد و در کلمه «تقیّاً» منظور این است که اگر باتقواست از او منصرف شود و در حقش بدی روا ندارد. (ر.ک: همان، ۴۳۰)

«در قرآن کریم وقتی از عفاف مریم^(س) سخن به میان می‌آید، سخن از «هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» نیست. سخن این نیست که اگر مریم^(س)، دلیل الهی را مشاهده نمی‌کرد، مایل بود، بلکه سخن آن است که: «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» نه تنها خودش میل ندارد، آن فرشته را هم که به صورت بشر متمثل شده، نهی از منکر می‌کند و می‌گوید: اگر تو باتقوایی دست به این کار زن. لذا ذات اقدس الهی فرمود: «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» در آیهٔ مزبور نمی‌فرماید: اگر او دلیل الهی را نمی‌دید، میل پیدا می‌کرد و قصد می‌نمود، بلکه می‌فرماید: «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» این کلمه «إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» به عنوان امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی تو بپرهیز.» (جوادی آملی، ۱۳۷۱ش: ۱۲۶-۱۲۷) این آیه، مشتمل بر دو بُعد کنشی حضرت مریم^(س) است؛ نخست کنش رفتاری که عبارتست از پناه بردن به خدای رحمان و دوم کنش گفتاری او که مخاطب را به رعایت تقوا و صیانت نفس سفارش می‌کند؛ بنابراین از دو کنش گفتاری و رفتاری مریم، دو پیام به دست می‌آید:

۱. حفظ عفت و پارسایی منوط به اراده دو طرف است.

۲. امداد و عنایت الهی شرط لازم این پارسایی است.

کارکرد بازیگرانه مریم، انسجام منطقی بر روند داستان دارد. نذر کردن مادر ایشان، خدمت در معبد، عبادت و رکوع و سجود، مقام مریم را آن چنان والا کرد که او را شایسته دامان پاک نبوت قرار داد. این پیشینه پاک، زمینه تهمت را از بین می‌برد یا حداقل احتمال خطا را کاهش می‌دهد.

آیات ۲۲ و ۲۳ سوره مریم، انزوا و تکافتادگی مریم را به خوبی نشان می‌دهد؛ احساس تنهایی مریم همراه با رعب و وحشت از بهتان مردم. مریم از رویارویی با قوم خود واهمه داشت؛ او از خاندان نجیب و شرافتمندی بود، تهمت ناروا شایسته مقام او نبود، لذا با خود می‌گفت (کنش گفتاری) که ای کاش مرده و از یادها رفته بودم: «يَا لَيْتَنِي مَثُ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًا مَنَسِيًا» «نسی» را در این آیه، به فتح و کسر نون خوانده‌اند و آن شیء حقیر و غیر قابل اعتناست که به فراموشی زده شود. «(قرشی، ۱۳۵۲ش: ج ۷، ۳۳) «نَسِيًا مَنَسِيًا» دلالت آشکاری بر اوج ناامیدی و غربت مریم دارد. او از قضای محتوم پروردگارش ابراز ناخشنودی نمی‌کند؛ چرا که در این عبارت نامی از پروردگار به میان نمی‌آورد، بلکه از شرایط نابهنگام و دغدغه‌های بعدی پریشان گشته است. این سخن مریم در واقع، گفتگویی درونی (مونولوگ) است که در سخت‌ترین لحظات زندگی مریم رخ داد و حکایت آن را خدای تعالی در کلامش بیان فرمود. در این شرایط دردناک زندگی مریم، بار دیگر خداوند متعال او را در دامان پرمهر و محبت خود قرار می‌دهد و به فرمان او نوزاد درونش لب به سخن می‌گشاید و مادرش را دلداری می‌دهد. دل مریم با این معجزه الهی آرامش یافت و بار دیگر دریافت که خدایش او را رها نکرده و در تنگنای زندگی، او را به خود وانگذاشته است. عیسی، مادرش را به سمت آب و غذای پاک رهنمون می‌سازد.

آیه بعد، آیه ۴۷ سوره آل عمران است که گفتگوی مریم با خداوند متعال را نشان می‌دهد، آن گاه که فرشتگان به او خبر بشارت فرزند دادند، مریم با شگفتی پرسید: «رَبِّ أَلَيْسَ لِي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ» آئی از ادوات استفهام است که جهت تعجب و شگفتی به کار می‌رود. در این آیه شریف نیز نرمی و انعطاف پذیری مریم نشان داده می‌شود، او هر چند با شگفتی پرسید، در برابر مشیت خداوند تسلیم و مطیع بود. در این آیه، حضرت مریم لفظ «ولد» را در جواب بشارت فرشته به کار می‌برد. این واژه ۳۱ بار (بدون مشتقات) در قرآن کریم آمده است که در

هیچ کدام از آیات درباره بشارت فرزند استعمال نشده است؛ اما واژه غلام ۸ بار در قرآن کریم جهت بشارت فرزند به کار رفته است. واژه غلام، ۱۲ بار تکرار شده است: ۳ بار حضرت زکریا را به داشتن فرزندی به نام یحیی بشارت می دهد (آل عمران/۴۰، مریم/۷-۸)، ۳ بار حضرت ابراهیم را هنگام کهن سالی خود و همسرش (ساره) به فرزند (اسحاق) بشارت می دهد (حجر/۵۳، صافات/۱۰۱، ذاریات/۲۸)، ۲ بار برای بشارت حضرت مریم به فرزند به کار می رود (مریم/۱۹-۲۰)، ۳ بار در جریان حضرت خضر و موسی، این کلمه در قرآن ذکر می شود (کهف/۷۴-۸۰-۸۲) و یک بار درباره حضرت یوسف آنگاه که او را از چاه بیرون آوردند، استفاده می شود. (یوسف/۱۹) «واژه غلام به عقیده بعضی به هر کودکی قبل از رسیدن به سن جوانی گفته می شود و بعضی آن را به کودکی که از ده سال گذشته و هنوز به سن بلوغ نرسیده، اطلاق کرده اند. از تعبیراتی مختلف که در لغت عرب آمده، می توان استفاده کرد که غلام حد فاصل میان طفل (کودک) و شاب (جوان) است که در زبان فارسی از آن تعبیر به نوجوان می کنیم». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش: ج ۱۹، ۱۱۰) سؤال مورد نظر در اینجا این است که چرا خداوند متعال در آیه ۴۷ سوره آل عمران، هنگامی که فرشتگان بشارت فرزند به حضرت مریم می دهند، لفظ «ولد» را به کار می برد و در موارد مذکور لفظ «غلام» را؟ به نظر می رسد در سوره آل عمران، زمانی که فرشتگان، مریم را به کلمه الله بشارت می دهند، ایشان با شگفتی می پرسد: « رَبِّ اَنْیَ یَکُونُ لِی وُلْدٌ وَاَمْ یَمْسَسُنِیْ بَشْرًا » کاربرد کلمه ولد متناسب با ترکیب کلمه الله است؛ زیرا ولد بر داشتن والد دلالت می کند، حال آنکه فرزند مریم، والدی نداشت. «اقتضای ولد به ولادت فرزند است، بنابراین هرگاه فرزندی متولد شد، پدرش را والد گویند، در حالی که اب هم درباره پدر به کار می رود و هم به کنایه به مرد اطلاق می شود، مثلاً گفته می شود: أبوفلان». (العسکری، ۱۴۱۲ق: ۱۳) آیه ۳ سوره بلد نیز مؤید این قول است: « وَوَالِدٍ وَاَمْ وَوَلَدٍ » و در آیات ۱۹ و ۲۰ سوره مریم، نیز واژه غلام در جایگاه اصلی خود به کار رفته و در جواب بشارت فرشته است که فرمود: « اِنَّمَا اَنَا رَسُوْلٌ رَّبِّکَ لِاَهْبَ لَکَ غُلَامًا رَزِیًّا » و مریم در پاسخ گفت: « اَنْیَ یَکُونُ لِی غُلَامٌ وَاَمْ یَمْسَسُنِیْ بَشْرًا وَاَمْ اَنْکَ بَیْعًا » نکته جالب توجه آنکه هر گاه بهتان عظیم یهودیان در قرآن مبنی بر پدری خداوند و فرزند داشتن او، مطرح شده لفظ «ولد» جایگزین سایر واژگان شده و آیات به شرح زیر است: نساء/۱۷۱، انعام/۱۰۱، مؤمنون/۹۱، صافات/۱۵۲، زخرف/۸۱، بقره/۱۱۶،

یونس/۶۸، اسراء/۱۱۱، کهف/۴، مریم/۸۸-۹۱-۹۲، انبیاء/۲۱، فرقان/۲، زمر/۴ و جن/۳ که جمعاً ۱۶ بار است.

۳.۵ با تکیه بر کنش رفتاری حضرت مریم^(س)

کنش رفتاری حضرت مریم^(س) در آیات ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران دیده می‌شود و آیات ۱۷ تا ۲۹ سوره مریم مشتمل بر دو بُعد کنش رفتاری و گفتاری است.

خداوند متعال به واسطه عبادت خالصانه مریم، او را بر زنان عالم برتری بخشید. هر چند خداوند سه کمال را به مریم^(س) عطا کرد: گزینش الهی «اصْطَفَاكَ»، تطهیر الهی «طَهَّرَكَ» و سرآمد دیگران شدن؛ «اصْطَفَاكَ عَلَيَّ نِسَاءَ الْعَالَمِينَ» در آیه بعد، سه مسؤولیت از او طلب می‌کند: خضوع و فروتنی «اقْنِي»، سجده «اسْجُدِي»، و رکوع «وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّكَّعِينَ». (قرائتی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۵۹) سه فعل «اصْطَفَاكَ، طَهَّرَكَ و اصْطَفَاكَ عَلَيَّ نِسَاءَ الْعَالَمِينَ» دلالت بر حتمیت افعال دارد؛ زیرا هر سه به صورت ماضی بیان شده است و فعل ماضی بر وقوع فعل دلالت دارد. و سه فعل «اقْنِي، اسْجُدِي و وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّكَّعِينَ» که به صورت امر ذکر شده نشان از طلب انجام کار است. این آیه کوتاه، سه امر الهی را دربردارد که مراد آن، تواضع و فروتنی مریم است. دقت در این زنجیره به ما نمایان می‌سازد، آنچه نزد خدای تعالی ارزش و اهمیت بسیار دارد، ادب و فروتنی و پرهیز از منیت است. کلمه «اقْنِي»، «اسْجُدِي» و «ارْكَعِي» هر یک مستقلاً دال بر فروتنی است. این سه فعل امر، اهمیت این بُعد رفتاری حضرت مریم را نشان می‌دهد که در هر حال می‌باید از خودخواهی به دور باشد. هرچند مریم مقامی والا دارد، این دلیل دوری او از مردم و عجب نیست؛ لذا به دستور خداوند، مریم می‌بایست همراه با بقیه نمازگزاران، نماز بجا آورد. اما این سؤال مطرح است که چرا خداوند متعال در این آیه نفرمود: صَلَّی مَعَ الْمَصْلِينَ؛ تا رکوع و سجده و قیام و جماعت را همه دربرگیرد؟ گفته‌اند: مراد از این رکوع، خضوع است؛ یعنی فروتن باش و به کرامات خدا نسبت به خود معجب نشو. (ر.ک: نیشابوری، ۱۳۸۱: ج ۱، ۲۸۲)

از دیگر صفات مریم، محدثه بودن اوست؛ زیرا ملائکه با او سخن می‌گفتند. ملائکه، مریم را سه بار با لفظ «يَا مَرْيَمُ» (آیات ۴۲-۴۳-۴۵ سوره آل عمران) ندا می‌دهند که شاید دلیل نشانه‌شناختی این ندا، اولاً تحبب نسبت به مریم و ثانیاً دلیل بر تأکید معنایی و معنوی او در این جایگاه قصه باشد. در آیه ۴۲، برگزیدگی مریم را به او اعلام می‌کنند: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَيَّ نِسَاءَ الْعَالَمِينَ» گرچه کلمه «اصْطَفَاكِ» دو بار در این آیه ذکر شده، اما در هر جا

معنای متفاوتی از آن استنباط می‌شود. بنابر گفته زمخشری، معنای آن بار اول، پذیرش مریم و پرورش اوست و بار دوم به معنای عطای عیسی به اوست که درباره هیچ زنی به جز ایشان مصداق ندارد. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۲۵۸) و در آیه ۴۵، مریم را به حضرت مسیح (ع) کلمه الله بشارت می‌دهند: « يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ » لفظ شریف جلاله در این آیه، مبین عظمت و قدرت پروردگار متعال است؛ قدرتی که هیچ کس و هیچ چیز مانع آن نیست. آنگاه که اراده کند، هر عدمی هستی می‌یابد: « إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ » از سوی دیگر فعل «أجاءها» در آیه ۲۳ سوره مریم، دال بر این است که درد زایمان و تنهایی آنقدر بر مریم غلبه کرده بود که درد، او را به این سو و آن سو می‌کشاند. رطب نیز غذایی مقوی است که زن بعد از زایمان می‌بایست بخورد، هم‌چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: « بهترین غذای زن باردار، خرمای تازه است و هیچ دارویی برای او بهتر از خرما نیست ». (العروسی الحویزی، ۱۳۸۳ش: ج ۳، ۳۳۰) « فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا ».

مریم هنگام بارداری به مکانی دورافتاده و دور از چشم مردم، به شرق بیت المقدس پناه برد تا آرامش کافی داشته باشد. آنگاه که مردم، مریم را همراه با نوزادی دیدند، آنقدر برآشفتمند که فرزند او را چیزی عجیب خواندند: « لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا ». (مریم/۲۷) مریم بر قوم خویش وارد شد و مردم قبل از اینکه حقیقت ماجرا را بدانند، با نگاه‌های خود تیر تهمت را به سمت او روانه کردند؛ آن هم مردمی که روزگاری بر سر کفالت مریم با هم نزاع می‌کردند: « وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُتْلُونَ آفَاقًا لَهُمْ مِنْهُمُ أَبٌ يَعْتَمِدُ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ». (آل عمران/۴۴) مریم در برابر نگاه‌های ناروا و تهمتهای مردم سکوت اختیار کرد. سکوت مریم (کنش رفتاری) نشان از تسلیم در برابر آنان نبود، بلکه سکوت او در برابر قومش از سخن گفتن بسی بلیغ‌تر و رساتر بود، چرا که مردم غالباً رفتار ظاهری فرد را دیده و مورد سنجش قرار می‌دهند، بدون آنکه از کنه ماجرا باخبر باشند. مریم نزد قوم خود شد و بعد از اینکه قوم وی، او را متهم کردند، با لقب «أخت هارون» او را به استهزاء و تهمک گرفتند.

به هر حال، کنش رفتاری و گفتاری قوم، دلیلی است بر تنهایی و مظلومیت مریم. آنان با طعن و کنایه، این لقب را به مریم نسبت دادند و گرچه صریحاً تهمت بی‌عفتی به مریم نزدند؛ اما به کنایه به او اعلام کردند که تو زاده نیکانی و ناپاکی تو نارواست: « يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْیًّا ». مریم به فرزندش اشاره کرد: « فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ » نوزاد مریم، توان حرکت و

پویایی ندارد؛ اما به اذن خداوند سخن می‌گوید و از مادر خویش دفاع می‌کند. اشارهٔ مریم به فرزندش نیز نشانه این است که او یک مرد الهی را پشتوانه خود قرار می‌دهد و خود از گفتگو با نامحرمان لب فرو می‌بندد. علاوه بر این، اعتماد مریم نسبت به خدای تعالی را بازگو می‌کند.

نتیجه‌گیری

نشانه‌شناسی شخصیت، در حوزهٔ نقد زبان‌شناسی است که بررسی آن در قرآن، از مباحث نو و جذاب است و با مؤلفه‌های نام، توصیفات، کنشهای رفتاری (کارکرد بازیگرانه) و کنشهای گفتاری شخصیت داستانی را به مخاطب می‌شناساند. وقتی شخصیت را به عنوان نشانه در نظر می‌گیریم به ناچار می‌باید دارای رمزگان و دلالت‌هایی باشد که شناخت این رمزگان در سیاق داستان، ابعاد پنهان و ناشناخته درونی آنها را آشکار می‌سازد.

شخصیت حضرت مریم^(س) به عنوان الگوی زنان و مردان صالح، نماد عفت، پاکدامنی، ایمان و عبادت است. نام مریم در حکم یک واژهٔ قاموسی در زبان عبری به معنای عبادت‌کننده و خدمتگزار و رفتار و گفتار مریم نماد عفت، حیا و نجابت است. چنانکه بیان شد تنها نام بانوی ذکرشده در قرآن مریم است. به تحقیق و رای نام مریم هدف و غرضی وجود دارد که داستان قرآنی را به پیش می‌برد. نام مریم یک دالّ نشانه‌شناختی و یک رمز دینی است که بیان‌کنندهٔ عاطفه، احساس، انعطاف، لطافت و طراوت اوست. نام مریم نمایندهٔ وجهه مذهبی و طبقه اجتماعی متوسط اوست؛ چرا که اگر از اشراف‌زادگان می‌بود باید به همراه اسم، لقبی نیز ذکر می‌گردید؛ بنابراین اسم مفرد صفت اشرافیت را از او دور گردانیده است و هم‌چنین مریم از طایفه تهیدستان نبود؛ چرا که پدر مریم-عمران- در میان بنی‌اسرائیل سرشناس و صاحب‌مقام بوده تا آنجا که بعد از ولادت مریم، کاهنان بر سر کفالت او اختلاف می‌کنند. بنابر توصیفات قرآنی نیز مریم، بانویی پاکدامن و صدیقه معرفی شده است که دوران نوجوانی و جوانی وی به عبادت خالصانهٔ پروردگار در محراب سپری شد. از سویی کنشهای رفتاری و گفتاری فرد، نشان دهندهٔ حالات روحی و اخلاقی، نوع نگرش، سطح دانایی فرد، موقعیت اجتماعی وی، جنسیت و شخصیت اوست؛ به عنوان مثال مریم در برخورد با فرشته او را از رفتار ناپسند بازمی‌دارد و با نهی کردن، غیرت دینی او را برمی‌انگیزد. گفتار و رفتار مریم، نشانهٔ ایمان، عفت، ترس نیکوی زنانه و موقعیت اجتماعی و معنوی اوست؛ اما گفتگوی زلیخا با یوسف دالّ بر حسن‌کاخ‌نشینی و فرمانروایی و لابلالی‌گری است. عشق یوسف آنقدر در اعماق قلبش نفوذ کرده بود که احترام

اجتماعی خود و همسرش را فراموش کرده و خود را زبانزد عام و خاص کرد. ذکر این قیاس بین یک بانوی نجیب و بانوی دربار (همسر عزیز مصر)، اختلاف روحی و عقیدتی آنان آشکار گردد.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

۱. قرآن کریم.
۲. اخوت، احمد. (۱۳۷۱). «دستور زبان داستان». اصفهان: نشر فردا
۳. تشاندلر، دانیال. (۲۰۰۸م). *أسس السيميائية؛ المترجم طلال وهب، الطبعة الأولى*، بیروت: المنظمة العربية للترجمة.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۱ش). «زن در آینه جلال و جمال». قم: مرکز نشر اسراء.
۵. حسینی، محمد. (۱۳۸۲ش). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن، بازخوانش دوازده قصه قرآنی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.*
۶. دامغانی، فقیه. عزیزی منش، کریم. (۱۳۶۱ش). *قاموس قرآن در وجوه و لغات مشترک؛ جلد اول. تهران: بنیاد علوم اسلامی.*
۷. دوسوسور، فردینان. (۱۳۸۹ش). *دوره زبان‌شناسی عمومی؛ ترجمه کورش صفوی، چاپ سوم، تهران: هرمس.*
۸. دینه‌سن، آنه ماری. (۱۳۸۹ش). *درآمدی بر نشانه‌شناسی؛ ترجمه مظفر قهرمان، چاپ چهارم، آبادان: پرسش.*
۹. الراغب الإصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷ش). *المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق و ضبط محمدخلیل عیتانی، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.*
۱۰. الزمخشری، جادالله محمود بن عمر. (۱۴۱۶ق). *تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ الطبعة الأولى، قم: مکتب الإعلام اسلامی.*
۱۱. سید قطب. (۱۳۵۹ش). *آفرینش هنری در قرآن؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: بنیاد قرآن.*

۱۲. طباطبایی، علامه سید محمد حسین. (۱۳۸۴ش). تفسیر المیزان؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. الطبرسی، الشیخ ابوعلی الفضل بن الحسن. (۱۴۱۴ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار الفکر.
۱۴. عباس، حسن. (۱۹۹۸م). خصائص الحروف العربیة و معانیها؛ منشورات اتحاد الکتب العرب.
۱۵. عتیق نیشابوری، ابوبکر. (۱۳۸۱ش). تفسیر سورآبادی؛ تصحیح سعیدی سیرجانی، ج اول. تهران: فرهنگ نشر نو.
۱۶. العروسی الحویزی، الشیخ عبدعلی بن جمعة. (۱۳۸۳ش). تفسیر نور الثقلین؛ المصحح السید هاشم الرسولی المحلاتی، الجزء الثالث، قم: مطبعة الحكمة و مؤسسه اسماعیلیان.
۱۷. العسکری، أبوهلال. (۱۴۱۲ق). معجم الفروق اللغویة؛ الطبعة الأولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
۱۸. عیاشی، منذر. (۱۴۲۹ق). العلاماتیة و علم النص، دمشق: دارالمحبة.
۱۹. قرائتی، محسن. (۱۳۸۵ش). تفسیر نور؛ چاپ سیزدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس-هایی از قرآن.
۲۰. القرشی دمشقی، إسماعیل بن عمر بن کثیر. (۱۴۲۲ق). تفسیر ابن کثیر؛ المجلد الثاني، دار طيبة.
۲۱. گروه مؤلفان. (۱۳۸۷ش). بانوان نمونه؛ پژوهشکده باقر العلوم^(ع)، قم: نور السجاد.
۲۲. مسلم، مصطفی. (۲۰۱۰م). التفسیرالموضوعی لسور القرآن؛ کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی، جامعة الشارقة.
۲۳. مصطفی، إبراهیم و الغیره. (۱۴۲۶ق). المعجم الوسیط؛ الطبعة الخامسة، طهران: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۷ش). تفسیر نمونه؛ چاپ هفدهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۵. ----- (۱۳۸۰ش). تفسیر نمونه؛ چاپ سی و پنجم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۲۶. الهاشمی، السید أحمد. (۱۹۹۹م). *جواهر البلاغة فى المعانى و البيان و البديع*؛ ضبط و تدقيق يوسف الصمیلی، صیدا: المكتبة العصرية.

۲۷. هامون، فیلیپ. (۱۹۹۰ق). *سیمائیة الشخصية الروائية*؛ المترجم: سعید بنکراد، الرباط:

دار الکلام.

ب) مقالات

۱. استون، الین. ساوانا، جرج. (۱۳۸۲ش). «نشانه شناسی شخصیت»؛ ترجمه داوود

زینلو، *مجله فرهنگ و هنر*، شماره ۵۵، صص ۴۸-۶۳.

۲. اسدی، سعید. فرهنگ، فرید. (۱۳۸۹ش). «نشانه شناسی نام شخصیت‌های نمایشی در

نمایشنامه مرگ فروشنده»؛ نشریه هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی، شماره ۳۹، صص ۱۳-۲۳.

۳. سجودی، فرزانه. (۱۳۸۵ش). «درآمدی بر نشانه‌شناسی خوراک، بررسی نمونه‌ای از

گفتمان سینمایی»؛ مجموعه مقالات دومین همایش هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، به کوشش حمیدرضا شعیری، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، صص ۸۳-۹۷.

۴. علوی مقدم، مهیار. (۱۳۸۶ش). «فرایند دلالت نشانه بر معنا در فهم متن ادبی». نشریه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید. شماره ۲۲ (پیاپی ۱۹)، صص ۱۹۱-۲۰۹.

۵. عمران پور، محمدرضا. (۱۳۸۶ش). «اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه در

گزینش واژگان شعر»؛ فصلنامه گوهر گویا، صص ۱۵۳-۱۸۰.

۶. نجفیان، آرزو و دیگران. (۱۳۸۹ش). «نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن

کریم»؛ فصلنامه نقد ادبی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۷۵-۲۰۳.

۷. یوسف العرجا، جهاد. (۲۰۰۲م-۱۴۲۳ق). «سیمائیة الشخصیات فى القاهرة الجديدة لنجیب

محفوظ»؛ *کلیة الآداب - قسم اللغة العربية، الجامعة الإسلامية بغزة*.

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال پنجم، دوره جدید، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۹۳

السيمیائیة شخصية السيدة مریم فی القرآن کریم *

علی باقرطاهری نیا

أستاذ بجامعة طهران

زهرة حیدری

المجستيرة فی اللغة العربية و آدابها

الملخص

إنّ اللغة السیمیائیة عبارة عن مجموعة من العلامات التي تحتوي على رموز تفكّ من خلال سياق النصّ. فالنصّ الأدبي له نطاق في و مهمّة سجمالية؛ ولذلك فإنّ نظامه السیمیائی معقّد، حيث يكون للدالّ الواحد مدلولات شتّى. والقرآن الكرم باعتباراه من أروع النصوص في عرض الأقوال والأعمال للشخصيات القصصية، يصورها بأسلوب واضح وجليّ وكأنّها تمثّل على شاشة عريضة أمام أعين الناظرين. وشخصية المرأة كعنصر أساسي في فنّ القصّة لها دور متميّز في كثير من القصص القرآنية. فالنسوة في هذه القصص ذوات أفعال واعية و البحث عن شخصية النساء يستكشف معاني دلالية - سیمیائیة خاصة، يتأتّى من خلالها ظهور الأبعاد الكامنة لهذه الشخصيات. وفي بعض الأحيان تكون الشخصية القصصية في القرآن مخبأة في ستر من الغموض فتساعد هذه الرموز في الكشف عن الجوانب الخفية للشخصية. وقد ذكر اسم السيّدة مریم (س) مصرّحاً به في سور عديدة من القرآن هي آل عمران، والنساء، والمائدة، ومریم، والأنبياء، والمؤمنون، والتحریم، حيث تبيّنت هذه السور جزءاً من حياتها المباركة. المهمّ في سيمولوجية الشخصية، هو الرموز، وتنوع استخدامها في النصّ، واسم العلم، والأوصاف، والمبادرات الكلامية والعملية والوظائف التمثيلية. وهذه هي الرموز التي يحاول المقال أن يستكشفها فيما يرتبط بشخصية السيدة مریم سلام الله عليها، وسلوكها وأدائها المميّز.

الكلمات الدليلية: السیمیائیة، الشخصية، السيدة مریم، القرآن الكرم.

* - تاريخ الوصول: ۱۳۹۲/۰۳/۲۰ تاريخ القبول: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

عنوان بريد الكاتب الإلكتروني: btaheriniya@basu.ac.ir